



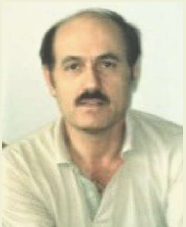
## شوریدن آهو دریایی

### علیه زن ستیزی

خالد حاج محمدی

آهو دریایی، دانشجوی «دانشگاه علوم تحقیقات تهران»، روز ۱۲ آبان در اعتراض به تعرض فیزیکی و فشار و تهدید نیروهای حراست دانشگاه، که منجر به پاره کردن لباسهای او شد، با درآوردن لباسهای خود به نشانه اعتراض به قدم زدن در محوطه دانشگاه دست زد. اعتراضی که بلافاصله با حمله نیروهای انتظامی و ضرب و شتم و دستگیری وی روبرو شد.

خبر دستگیری آهوی دریایی، ضرب و شتم او و انتقال اش به بیمارستان روانی، موجی از اعتراض به جمهوری اسلامی در حمایت از وی را در ایران و سراسر جهان دامن زد. بازنشستگان در کرمانشاه در تجمع اعتراضی خود، ضمن حمایت از آهو دریایی خواهان آزادی فوری او شدند، دهها هزار نفر در سراسر ایران در میدیای اجتماعی به اشکال مختلف او را حمایت کردند، حرکت نمادین، شجاعت و ایستادگی، جسارت و مقاومت بر حق او را ستودند و خواهان آزادی فوری او شدند. روز ۱۵ آبان به فراخوان انجمن و نهادهای دفاع از حقوق زنان و حقوق مدنی فرانسوی - ایرانی صدها نفر در میدان «پنتیون» پاریس میتینگ اعتراضی برگزار کردند، عکسهای آهو دریایی را در دست گرفته و خواهان آزادی او و همه زندانیان سیاسی شدند. در این مدت از امنستی تا انواع نهاد و سازمان مدافع حقوق انسان و مدافعین حق زن در ایران و کشورهای مختلف به دستگیری آهو و پرونده سازی کثیف رژیم برای او به نام «بیمار روانی» اعتراض کردند و تجمعات مختلف در شهرها و پایتخت های کشورهای غربی برگزار کردند. ... صفحه ۲ه



## جنگ و فضای جنگی در

### خدمت کیست؟

مظفر محمدی

امروزه و در سراسر جهان بشریت شاهد نسل کشی در غزه توسط اسرائیل اشغالگر است. در دل این جنایات علیه مردم بی دفاع غزه، بازی موش و گربه جمهوری اسلامی و دولت نتنیاهاو خنده دار و مشمژ کننده است. این شاخ و شانه کشیدن ها درحالی است که بر خلاف پروپاگاندا جنگ طلبان، جمهوری اسلامی و دولت تنیاهاو بارها اذغان کرده اند که خواهان جنگ تمام عیار نیستند. ... صفحه ۳ه

## طبقه کارگر بدون کمونیسم خلع سلاح است!

مظفر محمدی صفحه ۵ه

## انتخابات آمریکا و پیروزی ترامپ

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پایان یافت و دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا بر رقیب خود، کامیلا هریس، پیروز شد.

بی تردید انتخاب ترامپ و باز گشت او به کاخ سفید، بیش از آنکه نشان شکست فاحش حزب دمکرات و کامیلا هریس به عنوان کاندید آنها جهت پست ریاست جمهوری باشد، نشان بی آثرناتیوی شهروندان آمریکایی در نظام سیاسی این کشور است.

رای مردم در آمریکا به ترامپ، بیش از آنکه به شخص او و سیاست های نژادپرستانه و اولترا ارتجاعی او باشد، «رای نه» آنها به احزاب و شخصیت های سنتی و بسز اصلی سیاست در آمریکا است. نشان بی اعتمادی به ساختاری است که دهه ها آنها را بی اختیار در کریدورهای تقسیم قدرت بین دو حزب اصلی و شخصیت های «معتبر»، از دخالت در سرنوشت شان محروم کرده بود.

رای و انتخابی که در غیاب یک اپوزیسیون مترقی، کارگری و سوسیالیستی به سوی راست افراطی ساختارشکنانه، سرازیر شد. راست افراطی که با پرچم بهبود وضعیت اقتصادی اکثریت محروم جامعه به میدان آمد.

گفته میشود این انتخابات تاریخی است! در این ادعا واقعیتی نهفته است. این واقعیت که در جامعه آمریکا، با بازگشت ترامپ به قدرت، شکافی بین شهروندان در آمریکا، و بحرانی عظیم در مناسبات آمریکا با اروپا و جهانیان سرباز میکند. شکاف ها و بحران هایی که نه محصول ترامپ که بستری است که ترامپ بر آن شانس عروج پیدا کرد.

انتخاب ترامپ، مستقل از اینکه در تمام انتخاباتهای چند دهه گذشته، مردم آمریکا در مقابل «انتخاب» بین این یا آن نماینده حزب و جریان جنگ طلب، راست و ضد کارگری قرار میگیرند، بیان نارضایتی وسیع از دولت بایدن، از قوانین ضد کارگری و استثمارگرانه، از جنگ طلبی عربان، از فقر و فلاکت و حمله هر روزه بورژوازی آمریکا و نمایندگانش به سطح معیشت طبقه کارگر و مردم محروم است. ... صفحه ۲ه

آزادی برابری حکومت کارگری

خود زمان بخرد. حمله به زنان و اعدامها در این دوره گوشه ای از تلاش مذبوحانه بورژوازی و حکومتش برای عقب راندن جنبش آزادیخواهان در ایران و جنبش حق زن است.

ترفندهای جمهوری اسلامی، اعلام اینکه پرونده آهو دریایی امنیتی نیست و اجتماعی است، بیان فشار اعتراضات همه جانبه به دستگیری او است. اما معرفی او به عنوان «بیمار روانی» و مخفی کردن او از چشم جامعه و مردم ایران و قرار دادن او در شرایط شکنجه های روحی و روانی، توطئه ای علیه آهو و برای شکستن او است. کم نیستند انقلابیون و آزادیخواهانی که زندگی شان در این زندانها، در بیمارستانهای "ویژ" و روانی به تباهی روحی و روانی کشیده شد. نباید اجازه داد این توطئه شوم علیه آهو دریایی انجام بگیرد.

آهو صدای جنبشی است که علیه توحش و بربریت حاکم بر زنان در همه ابعاد آن، به میدان آمد و ارتجاع حاکم را عقب راند. جنبشی که دوفاکتو آزادی پوشش را به قدرت خود تحمیل و گشت ارشاد را جمع کرد و روسای حاکمیت را به عقب نشینی وادار کرد. آهو دریایی چهره جوان این جنبش، دختر عصیانگر و آزادیخواه این جنبش است.

نباید گذاشت آهو تنها بماند، نباید اجازه داد در خفا و دور از چشم مردم آزادیخواه، بدون وکیل و ملاقات با خانواده، مخفیانه و در تنهایی حرمت و شخصیت اش مورد تعرض مشتکی جانی قرار بگیرد، نباید اجازه داد حتی یک روز هم در زندان بماند. توطئه علیه وی، توطئه علیه جنبش حق زن و علیه جنبش آزادیخواهان ما مردم در ایران است. باید علیه حاکمین و برای آزادی او به هر شکل ممکن اعتراض کرد و خواست آزادی فوری وی در همه تجمعات ما، از کارگر و بازنشسته، از معلم و پرستار، از دانشجو و دانش آموز تا صفوف زنان همه جای ایران برجسته شود. باید دستگیر کنندگان و قضات جنایتکار حکومتی و زندانبانان و شکنجه گران آهو را از کرده خود پشیمان کرد.

اختلافی میان حزب دمکرات و حزب جمهوریخواه، کل آنها و سیستم و قوانین پایه ای این کشور، بر اساس زورگویی، میلیتاریسم، جنگ و لشکر کشی و جنایت و فقر و استثمار و.. در اشکال مختلف بنا گذاشته شده است.

باید، هریس یا ترامپ مستقل از هر تفاوت میلیمتری و حرافی و فحاشی هایشان علیه هم، در پروسه تبلیغات انتخاباتی و قبل و بعد از آن، مجری قوانین فوق ارتجاعی، ظالمانه، ضد کارگری و ضد انسانی بورژوازی آمریکا در این کشور و در سطح جهانند، سیاستی که در همه دولتهای پیشین این کشور و دو حزب دمکرات و جمهوری خواه، جز سیاهی و تباهی، نژاد پرستی و جنگ و جنایت و قلدری و زورگویی و فقر و محرومیت علیه پایین جامعه، نتیجه ای نداشته است.

طبقه کارگر و مردم محروم و آزادیخواه در آمریکا در این شرایط و بر بستر عروج ترامپ بعنوان نماینده راست افراطی ساختارشکن در آمریکا که قابلیت تعرض به همه دستاوردهای تاریخی بشریت متمدن و طبقه کارگر در آمریکا را دارد، چاره ای جز به میدان آمدن با پرچم خود، حزب و سازمان خود و برای رها شدن از کاپیتالیسم گندیده ای که دهه ها برای حفظ خود، جهانی را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است، ندارند.

در آمریکا در دل تلاطماتی که عروج ترامپ آن را تشدید میکنند، سوسیالیسم، تعرض طبقه کارگر شانس دارد. شانس برگرداندن ورق به نفع آرمانها و اهداف انسانی خود و برای پایان دادن به نظم گندیده ای که هر روز تداوم آن، نه تنها آمریکا که بشریت را بیش از پیش به سوی منجلاب های بیشتری سوق میدهد.

حزب حکمتیست(خط رسمی)

۱۶ آبان ۱۴۰۳ - ۶ نوامبر ۲۰۲۴

اعتراض و جسارت آهو دریایی بعنوان یکی از هزاران دختر انقلاب ایران، یکی از هزاران جوان آزادیخواه، اعتراض به بی حقوقی زن، به آپارتاید جنسی، به سنت و فرهنگ اسلامی و مرد سالار و ضد زن در جامعه ایران و به جمهوری اسلامی به عنوان عامل و بانی اصلی این توحش است. آهو دریایی و حرکت نمادین و ارزشمند او علیه بی حقوقی زن، عصیان یک نسل و از جنس حرکت نمادین دختران انقلاب و سوزاندن روسری به علامت اعتراض به زن ستیزی سیستماتیک و روزمره حاکم در ایران است.

او بار دیگر توجه مردم آزادیخواه و متمدن جهان را به وجود یک جنبش قوی، خودآگاه و مدرن و انسانی جلب کرد. جنبشی که زنان و دختران برابری طلب و آزادیخواه با مقاومت خود پیشقراولان آنند و ۴۶ سال است به قوانین اسلامی، به زن ستیزی، به فرهنگ و سنت اسلامی و عقب مانده نه گفته اند! جنبشی که در سراسر ایران، در دانشگاه و خیابان، در مراکز کاری و شهر و میادین آن و در خانواده و همه جا به زن ستیزی و بی حقوقی زن اعتراض کرده است و علیه آن شوریده است. جنبشی که با پرچم آزادی زن، در مقابل یکی از مرتجع ترین و ضد زن ترین حاکمیت های تاریخ بشر جنگیده و کوتاه نیامده است و ماشین سرکوب آنرا فلج کرده است.

این جنبش در شهریور ۱۴۰۱ و بعد از قتل حکومتی مهسا امینی، با قدرتی عظیم و با پرچم آزادی زن سراسر ایران را فرا گرفت، جمهوری اسلامی را به چالش کشید، همزمان جنبشهای ضد زن و عقب مانده قومی و مذهبی را به حاشیه راند و مهر خود را به سیمای سیاسی- اجتماعی ایران و منطقه زد. جمهوری اسلامی امروز فضای جنگی و میلیتاریستی در منطقه و عربده کشی فاشیستهای جنگ طلب حاکم بر اسرائیل، کشمکشها و تهدیدات و تبلیغات جنگی را دستمایه تعرض به جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه در ایران، که آزادی زن یک رکن پایه ای آن است، کرده است. تلاش میکند برای حاکمیت

#### انتخابات آمریکا و ...

انتخاب ترامپ همزمان بیان نفرت از جنگ و جنایت و سیاست میلیتاریستی است که در دولتهای مختلف دنبال شده است و نه تنها جهانیان را با جنگ و جنایت، کشتار، خونریزی و ویرانی روبرو کرده اند که بعلاوه هزینه سیاست میلیتاریستی خود را از جیب طبقه کارگر و بخش محروم جامعه تامین کرده اند.

شهروند آمریکایی سنگینی بار هزینه های ناتو، حفظ ماشین جنگ ارتجاعی آمریکا در اوکراین و هزینه نظامی تداوم حمایت از نسل کشی اسرائیل از مردم فلسطین در خاورمیانه، و مخاطرات افزایش آن را بر دوش خود احساس میکنند. بر این بستی در آمریکا هر جانوری که در حرف وعده کاهش این هزینه ها را میداد، شانس داشت.

ترامپ مستقل از ادعای او مبنی بر قول پایان جنگ در اوکراین، مستقل از تعهد او برای حمایت بیشتر از دولت فاشیست اسرائیل برای ادامه نسل کشی مردم فلسطین و مستقل از عربده کشی او علیه مهاجرین به نام «دفاع» از مردم آمریکا و سیاست «انزواگرایی» و تاثیراتش بر اروپا و افزایش انشقاق در اتحادیه اروپا، قادر نخواهد شد تغییری قابل توجه برای بهبود زندگی مردم آمریکا ایجاد کند. قادر نخواهد بود که سیاست قلدری و میلیتاریستی حاکمین بر آمریکا را کنار بگذارد. چرا که تخفیف هریک از این مولفه ها، یعنی بهبود زندگی مردم و بخصوص طبقه کارگر و کاهش نقش میلیتاریستی آمریکا در جهان، یکی از ارکان اصلی در قدرت ماندن آمریکا بر کرسی ریاست جهان، خطر به میدان آمدن جنبش های مترقی کارگری و سوسیالیستی در آمریکا و غرب را بالا میبرد! بورژوازی حاکم در آمریکا، در چنین بن بستی است.

برای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در آمریکا و جهان، مستقل از هر تفاوتی میان ترامپ و بایدن و هریس، مستقل از هر تفاوتی و

روشن است جمهوری اسلامی عملاً و از همه ی جهات در جنگ خاورمیانه به بهانه ی دفاع از مردم فلسطین دخیل است. نقش ایران مثل هیچ کشور عربی نیست. مثل مصر، عربستان یا کشورهای حاشیه خلیج یا ترکیه نیست. جمهوری اسلامی عملاً و از طریق نیروهای نیابتی اش در عراق، سوریه، لبنان و یمن و با دخالت مستقیم در جنگ شرکت دارد. با وجود این جمهوری اسلامی نمی خواهد جنگ به داخل ایران کشیده شود. مطلوب برای او حفظ حزب الله است. علیرغم پروپاگاندا و هیاهوی ریاکارانه نابودی حماس و قتل عام مردم غزه هم برای جمهوری اسلامی اهمیتی ندارد. تلاش نتنیاهاو هم برای این که پای امریکا را به جنگ با ایران بکشاند، شکست خورده است. اما این مخاطره هنوز کاملاً منتفی نیست. نتنیاهاو و دولتش هنوز با سناریوهایی که در آستین دارد از جمله در رفت و برگشت حملات نظامی، ممکن است به هدف تبهکارانه اش یعنی گسترش جنگ تمام عیار به ایران برسد.

در دل تحولات خاورمیانه، بشریت شاهد تداوم یک جنگ و اشغال گری و نسل کشی علیه مردم فلسطین است. در این رابطه دو قطب مقابل همدیگر صف آرایی کرده است. یکی قطب پرو اسرائیل و پرو غرب به سرکردگی امریکا و صحنه گردانی اسرائیل و دیگری قطب بشریت متمدن و آزادیخواه و انساندوست و برابری طلب. این قطب بندی به این وسعت و شفافیت در تاریخ تحولات جهان سابقه نداشته است. قصد من در اینجا بررسی کل تحولات خاورمیانه و جنایات جنگی امریکا و ناتو در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و... نیست. در دل تحولات سهمناک خاورمیانه، با هر سرنوشتی که هر کشور داشته و هنوز هم دارد، مساله فلسطین زخم چند ده ساله ای است که تا به امروز و هر روز خونریزی می کند.

از روزی که پرچمی با ستاره داوود جنبش صهیونیستی بعنوان استقلال اسرائیل برافراشته شد، شاید کم تر کسی باور می کرد که در میان ملت زخم دیده ی یهود از هولاکست هیتلر، یک روزی جنبشی فاشیستی و نژادپرست درست بهمان سبک هیتلر، عروج کند و از ۱۹۴۸ تا به امروز به مدت ۷۶ سال مثل بختکی بر زندگی و سرنوشت مردم فلسطین بیفتد و منشا هلوکاست و نسل کشی دیگر یک ملت ستمدیده باشد. هیچ کس فکر نمی کرد که استراتژیست های یهودی از همان آغاز هدف شوم اشغال کامل فلسطین و تصرف زمین و خانه و کاشانه شان باشد و میلیون ها انسان را از محل زندگی خود بیرون و آواره کند. هیچ کس فکر نمی کرد بازماندگان هلوکاست، خود به عاملان نسل کشی ملت دیگر به نام فلسطین تبدیل شوند. اما این اتفاق افتاد.

### جنبش مقاومت فلسطین

در مقابل استراتژی شوم و ویرانگر صهیونیست ها، زنان و مردان و پیر و جوان و کودک فلسطینی، قیام ها «انتفاضه» و جنبش مقاومتی سازمان دادند و با چنگ و دندان از زندگی و انسانیت شان دفاع کردند. خیلی ها در مبارزان ها تکه تکه شدند، زیر آوار ساختمان ها دفن شدند، در زندان ها اسیر و میلیون ها نفرشان به کمپ های آوارگان کشورهای عربی خاورمیانه پرتاب و بعنوان انسان های درجه دوم این کشورها به کارگران ارزان سرمایه داران عرب تبدیل شدند. کودکان فلسطینی که یک روز فقط با پرتاب سنگ به جنگ اشغالگران تا دندان مسلح اسرائیل رفتند، کشته شدند و یا در سازمان های مختلف اسلحه دست گرفتند تا از جان و مال و حرمت شان دفاع کنند.

جنبش مقاومت فلسطین به دلیل وجود گروه های متخصص همدیگر هیچ وقت نتوانستند مقاومتی قدرتمند برای دفاع از خود و مردم فلسطین سازمان دهند. من نمیخواهم به تاریخچه ی تک تک این گروه ها از زمان یاسر عرفات و جرج حبیش و دیگران بپردازم. اتفاقی که امروز افتاده جنگی برای نابودی کامل مردم فلسطین است.

یک عده می گویند تقصیر فلسطینی ها است که به اسرائیل حمله کردند و چنین و چنان کردند. اسرائیل را عصبانی کردند و او هم برگه ی قانون امریکا و غرب به نام «دفاع از خود» بر سینه چسپاند و با هدف دیرینه پاکسازی قومی و نابودی کامل فلسطین، غزه را با خاک یکسان کرد، بر کمپ های آوارگان مپ ریخت، تمامی خانه ها و مدارس و بیمارستان های غزه را از بین برد، بیش از ۵۰ هزار انسان را یکجا کشت و بیش از یکصد هزار نفر را زخمی کرد که یک سوم شان کودکان بودند. هنوز اجساد از کودکان و مادران و پدرانی زیر آوار خانه هایشان مدفون اند. گورستان های جمعی و بی نام و نشان انسان های لت و پار شده زیر مپ های اسرائیل حکایت از کوره های ادم سوزی هیتلر دارد.

هفتم اکتبر ۲۰۲۳

برای اولین بار از تاریخ تشکیل دولت اسرائیل و پس از ۷۵ سال تهاجم و ویرانگری و اشغالگری و آوارگی و کشتار مردم فلسطین، چند گروه فلسطینی به رهبری حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ دولت اشغالگر نتنیاهاو را آنطور که خود می گویند غافلگیر کردند.

این اولین حمله ی حماس به داخل خاک اسرائیل برای دولتی که ده ها سال است زرادخانه عظیمی را فراهم کرده و به پیشرفته ترین جت های جنگی و موشک و مپ اتم مسلح است، یک شکست قلمداد شد. از آن روز به بعد دولت نژادپرست نتنیاهاو فرصت را غنیمت شمرده تا با تمام قوا به استقبال تداوم استراتژی شوم و ضد بشری نابودی فلسطین و اشغال و تسلط تمام و کمال غزه برود. و این سیاستی است که تا امروز که بیش از یک سال از آن می گذرد با شدت ادامه دارد.

خوشحالی جناح راست اپوزیسیون جمهوری اسلامی از کشتار جمعی و نسل کشی مردم غزه تحت عنوان «شکست حماس» جزء ناچیزی از کمپ صهیونیسم و امریکا و ناتو است. چرا که پیروزی اسرائیل را پیروزی خود می دانند و سرنوشتشان در گرو این کمپ و سرمایه گذاری کثیفی است که گویا با گسترش جنگ به ایران، جمهوری اسلامی سرنگون شده و آن ها سوار بر هواپیماهای این کمپ از نوفل شاتوی امریکا به تهران میروند و صاحب قدرت و ثروت میشوند. از طرف دیگر جناح چپ اپوزیسیون که بخشا خود را کمونیست می نامند مدعی اند، جنگ کنونی اسرائیل با حماس به مردم فلسطین ربطی ندارد و این جنگ نتنیاهاو با تروریست های حماس به رهبری سنوار است. این یک دروغ ابلهانه است. این تکرار حرف نتنیاهاو است که گویا با تروریست ها می جنگد نه مردم فلسطین.

اما برای مردم فلسطین سنوار مظهر مقاومت و مصمم به ایستادگی در مقابل هارترین قدرت نظامی خاورمیانه است. چپی که این مقاومت را به دلیل ایدئولوژیک به تمسخر می گیرد، بخواهی نخواهی در کنار نتنیاهاو برای نابودی فلسطین ایستاده است.

این چپ از ارسو نهادهای اطلاعاتی دولت نتنیاهاو مثال می آورند که سنوار در غزه چنین و چنان کرده و ادم کشته است. حماس چهار نفر جاسوس اسرائیل را در غزه اعدام کرده و این از نظر اسرائیل تروریسم است اما نسل کشی او در غزه برای خاورمیانه جدید!

میگویند مقاومت فلسطین ربطی به حماس ندارد. اگر اینطور است پس این مقاومت کجا است؟ اگر گفته شود محمود عباس و تشکیلات فاسدش ربطی به مقاومت فلسطین ندارد، قابل درک است و واقعا ربط ندارد. اما حماس را از فلسطین برداری مقاومتی نمی ماند و نه تنها غزه بلکه کل فلسطین اشغال و کل مردم به سلاخی کشیده می شوند. این را صهیونیست های حاکم بر اسرائیل به صراحت و بیشرمی آشکار می گویند. نتنیاهاو و حزب و جبهه اش در اسرائیل نژادپرست است. کودک فلسطینی که در مقابل سرباز اسرائیلی عربی صحبت کند تنها مسخره اش می کنند بلکه اگر او را نکشند شکنجه اش می کنند. عربی صحبت کردن مردم فلسطین برای نژادپرستان اسرائیلی یعنی فحش دادن به آن ها. .. صفحه ۴

در غزه و لبنان است. دولت فاشیست ننتیاهو امروز بکه تاز این میدان است. غزه را با خاک یکسان کرده، دارد همین بلا را سر لبنان می آورد. حتی اگر همین امروز جنگ تمام بشود تشکیل دولت مستقل فلسطین بر ویرانه های غزه و کرانه باختری هنوز یک رو با است.

این جنگ و نسل کشی و قتل و ویران گری اسرائیل زمانی تمام می شود که هم مردم اسرائیل صهیونیست ها را از حاکمیت خلع ید کنند و هم مردم فلسطین برای اداره جامعه ی خود تصمیم بگیرند. ما متأسفانه تاریخ را نمی توانیم به قبل از اشغال فلسطین توسط صهیونیست ها و تشکیل دولت اسرائیل برگردانیم. در نتیجه کم ترین اقدام و فوری ترین راه حل، ختم جنگ و نسل کشی مردم فلسطین است. حل ریشه ای مساله فلسطین جز با خروج نیروهای نظامی، خاتمه دادن به اشغال فلسطین، تخلیه شهرک های یهودی نشین، ممکن نیست. و لازمه ی این کار پایین کشیدن صهیونیست ها از قدرت و تشکیل دولتی دموکراتیک در اسرائیل و برسمیت شناختن حق مردم فلسطین برای تشکیل دولت مستقل خود است.

#### وظایف عاجل جامعه ی ما

در گرد و خاک و گیرو دار جنگ و فضای جنگی جمهوری اسلامی و صهیونیست های حاکم بر اسرائیل، موضوع اصلی و وظیفه ی عاجل ما این است که نباید گذاشت فضای جنگی و تهدیدات طرفین جنگ باعث شود، جنبش ها و اعتراضات کارگری و اجتماعی زیر سایه ی پروپاگاندا و تهدیدات جنگ حاشیه ای شود. این خواست جمهوری اسلامی است و نباید به آن تن داد.

بخشی از مردم ایران به دلیل نفرت از جمهوری اسلامی و خواست سرنگونی از طرفی و پروپاگاندا ننتیاهو و اپوزیسیون راست و سلطنت طلب ها، از طرف دیگر، جنگ ایران و اسرائیل و دخالت امریکا را به نفع خود می دانند که گویا این جنگ به سرنگونی جمهوری اسلامی یا تضعیف او ختم می شود.

این جنگ اولاً به سرنگونی منجر نمی شود، بلکه شرایطی بوجود می آورد و بهانه ای می شود تا رژیم هم نسبت به معیشت مردم بیخیال شده و هم فضای سرکوب را تشدید کند. ما می شنویم که دولت جدید و حامیانش مکرراً می گویند بدون برداشتن تحریم ها و بدون مذاکره و تعامل با امریکا و غرب اقتصاد ایران نمی چرخد. نفس این مساله برای حاکمیت و بخصوص دولت پزشکیان این است که وضعیت موجود و فلاکت جامعه را توجیه کنند. پزشکیان از همان آغاز تا امروز همین را تکرار می کنند و در نتیجه پاسخ معیشت جامعه را نمی دهند. گفته و میگویند نمیتوانیم. از انطرف هم خامنه ای و مجلس و دارو دسته اش هم میگویند ما حاضریم تعامل کنیم ولی آنها نمیخواهند و جنگ طلب اند.

طبقه کارگر و کمونیسم اش صراحتاً اعلام می کنند که این جنگ ما نیست. باید ادعای بشرمانه و دروغین جمهوری اسلامی به دفاع از مردم فلسطین را رسوا کرد. باید پروپاگاندا دولت اسرائیل و جریانات راست اپوزیسیون ایران را خنثی نمود!

برای من جنگ اسرائیل در غزه جنگ ایدئولوژی ها نیست. جنگ یهودی ها و مسلمانان نیست. اسلامی و تروریست نامیدن حماس و سنوار در جنبش مقاومت فلسطین در مقابل اشغالگری و نسل کشی بیش از نیم قرن اسرائیل پوچ است و جایی از اعراب ندارد. چپی که حماس را و سنوار را بخاطر اسلامی بودنش محکوم می کند، در حالی که هیچ الیزابتی عملی و سازمانی و دخالت در دفاع از مردم فلسطین ندارد، بیروتی و پرت است. بخواد نخواهد به ننتیاهو برای نابودی مردم غزه چک سفید می دهد و جنایاتش را لاپوشانی می کند. چپی که فکر می کند چون جمهوری اسلامی از حماس حمایت می کند، پس این همان اسلام سیاسی خمینی است، باز از مرحله پرت است. حماس از جبهه ی اخوان المسلمین مصر و قطر و ترکیه است. ربطی به شیعی گری جمهوری اسلامی و صدور آن به منطقه ندارد. گیریم جمهوری اسلامی پول یا سلاحی به حماس داده باشد، این در شرایط جنگ اسرائیل اشغالگر و به لحاظ نظامی بکه تاز در خاورمیانه هیچ ایرادی ندارد. جمهوری اسلامی هیچ ربطی به مقاومت مردم فلسطین ندارد. حماس هم نوکر جمهوری اسلامی نیست. پول و اسلحه گرفت، حتما گرفته. در همه ی جنگ های کوچک و بزرگ جهان این بده بستان ها وجود داشته. ما هم برای مقاومت در برابر تهاجم جمهوری اسلامی از دشمنانش بدون هیچ قید و شرطی کمک گرفتیم. حماس و حزب الله هم یکی نیستند. وابستگی حزب الله به جمهوری اسلامی برای همه آشکار است. لبنان هم شبیه فلسطین و غزه نیست. حزب الله از دل یک جنگ داخلی در این کشور بر سر قدرت توسط جمهوری اسلامی تشکیل شد. حماس با دولت کارتنی محمود عباس هم تفاوتش در مقاومت یکی و تسلیم دیگری است. محمود عباس یک ترسوی فاسد است. محمود عباس حتی کدخدای خوبی برای کرانه ی غربی که بیشتر از کمپ های آوارگان فلسطینی تشکیل شده، نیست. تا چه رسد به مقاومت در برابر اسرائیل اشغالگر و جنووساید ننتیاهوی جنایتکار.

#### نظم نوین و خاورمیانه ی جدید ننتیاهو

ننتیاهو نقشه ی خاورمیانه جدید را به جهان نشان می دهد و در اوج بیشرمی نشانی از فلسطین در آن نیست. او می گوید من به همه نقاط خاورمیانه دسترسی دارم. اما تحولات خاورمیانه طبق خواسته های ننتیاهو پیش نخواهد رفت. خاورمیانه شاهد تحولات زیادی خواهد بود اما نه به نفع اسرائیل. مصر و عربستان و قطر و ترکیه ترجیح می دهند با ایران و اعمار چین باشند تا این که اسرائیل را وارد کمپ خود کنند. جمهوری اسلامی هم همین را می خواهد و همین سیاست را در منطقه دارد. اوضاع منطقه به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر اسرائیل است. دیدیم عربستانی که تا دیروز می خواست با اسرائیل پیمان ابراهیم را امضا کند امروز می گوید به شرطی رابطه را با اسرائیل عادی می کند که دولت مستقل فلسطین را به رسمیت بشناسد. من از روز اول حمله اسرائیل به غزه گفتم اسرائیل بازنده این جنگ است. نسل کشی فلسطینی ها و با خاک یکسان کردن غزه نشان پیروزی اسرائیل نیست. هیتلر هم کشتار و خرابی های عظیمی بوجود آورد و بخش بزرگی از اروپا را تسخیر کرد اما در نهایت بازنده ی جنگ شد. سرنوشت ننتیاهو هم همین است.

اپوزیسیون جمهوری اسلامی که از عالم واقعی سیاست به دورند و لم داده بر میل هایشان، روی اسب باخته ی اسرائیل شرط بندی کرده اند، خود نیز بازنده اند. جالب است برای اپوزیسیون راست و بخشا چپ نظم نوین ننتیاهو قابل قبول است. چرا که جمهوری اسلامی در آن قرار ندارد.

#### سرنوشت مردم فلسطین

تکلیف نهایی سرنوشت فلسطین راه حل فوری ندارد. فوری ترین کاری که بشریت متمدن جهان می تواند بکند فشار قدرتمند سیاسی بر اسرائیل و حامیانش برای قطع جنگ و پایان دادن به کشتار جمعی

## کارگران کمونیست!

**حزب ما، سنگر اتحاد و  
تشکل حزبه شما است.  
حزب را از آن خود کنید!**

# طبقه کارگر بدون کمونیسم خلع سلاح است!

مظفر محمدی

همیشه بعنوان یک اصل گفته می شود که سلاح کارگر اتحاد و تشکیلات است. این درست. اما قبل از این که این اتفاق بیفتد یا به نظر من این اتفاق نمی افتد مگر اینکه طبقه کارگر به کمونیسم بعنوان سلاح مبارزه و جنبش اجتماعی خود مجهز شده باشد.

در غیبت کمونیسم، طبقه کارگر از نظر ایدئولوژیک، طبقاتی و روحی و روانی خلع سلاح است. تا این برطرف نشود، از اتحاد و سازمان و تشکل واقعی و تحزب کارگری خبری نیست و اگر باشد ابزار دست بورژوازی و در کنترل او است. خلع سلاح ایدئولوژیک به این معنی است که کمونیسم ابزار مبارزه طبقه کارگر نیست. بدون این سلاح، مبارزات کارگری از کوچک ترین تا بزرگ ترین آن ولو دستاورد و منفعتی کوچک و موقتی گیرش بیاید اما پیروز نمی شود. و هر دستاوردی قابل بازپس گیری است.

کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر و ابزار مبارزه او است. طبقه کارگر بدون کمونیسم مادام العمر مزدبگیر باقی می ماند. نسل اندر نسل تباہ می شود، تحقیر می شود و با دستمزد ناچیز و بیکاری و تباہی جسم و روح و فحشا و اعتیاد و بی خانمانی بسر خواهد برد. کار مزدی بردگی محض است. این تازه وقتی است که کارگر شاغل است و مزدی می گیرد. وقتی بیکار می شود و بیمه بیکاری ندارد، دیگر فراتر از بردگی است و اسمی برایش نمیتوان پیدا کرد. دستفروشی، دزدی، دوره گردی، تن فروشی، اعتیاد، خودکشی ... هیچکدام هنوز موقعیت کارگر بیکار و خانواده اش را توضیح نمی دهد. کارگر بیکار و خانواده اش در حاشیه جامعه هم نیست، اصلا از چرخه جامعه خارج است. هر کاری بکنند، هنوز جوابگوی موقعیت غیر انسانی که به آن تحمیل شده است، نیست. کارگر بیکار و خانواده اش در مقابل طبقه سرمایه دار حاکم، هر کاری بکنند مجاز است. حق دارد دزدی کند، درب انبارهای سرمایه داران را بشکند و غارت کند، بخروشد، عصبان کند، شورش کند، دست به اسلحه برد... هر کاری!

همیشه گفته می شود طبقه کارگر چیزی ندارد از دست بدهد جز زنجیرهای دست و پایش. شاید کارگر شاغل بگوید فعلا من شغلی و مزدی دارم و از گرسنگی نمی میرم. اما کارگر بیکار این را هم ندارد. همه چیزش را از او گرفته اند، شغلش، مزدش، حرمتش، شرافتش، عزتش، نان سفره اش. شیره جاننش را گرفته اند. اگر نیرویی برایش باقی مانده باشد، اگر بازویش هنوز توان کار دارد و می تواند روی پا بایستد آن را هم از او می خردند. جامعه سرمایه داری با برسمیت شناختن لشکر بیکاران بعنوان تضمین نیروی ذخیره کار پشت درب کارخانه ها و شرکتها، حکم مرگ بیکاران را صادر کرده است. یک مرگ تدریجی و طاقت فرسا.

وقتی کمونیسم ابزار مبارزه کارگر شاغل و بیکار نیست. در نتیجه کارگران شاغل دست به کلاه خود می گیرند و به موقعیت فعلی شان رضایت می دهند. و باز در نتیجه، لشکر بیکاران جزو طبقه کارگر محسوب نمی شود. در غیاب کمونیسم، کارگر متفرق، نامتحد، صنفی، نامربوط به همدیگر و تنها است.

زمانی که طبقه کارگر به نیروی خود آگاه نیست، خود را به مثابه طبقه نگاه نمی کند، خود را این و آن صنف می داند، بین شاغل و بیکار دیواری قرار می گیرد و از هم جدایشان می کند، زمانی که هر تک کارگری و هر صنف و بخش کارگری و شاغل و بیکار خود را عضوی از ارتش کار ندانند، هر تلاشی در این و آن صنف و بخش در همان محدوده باقی می ماند و هیچگاه نمی تواند تعرضی را سازمان دهد. کارگر پراکنده و صنفی، قدرت تعرض ندارد. اعتصابات وسیع و مکرر چند دهه اخیر در ایران نشاندهنده این وضعیت است. هیچ بخش کارگری از کارگران بغل دست خود که اعتصاب کرده اند خبر ندارد یا اگر خبر دارد آن را به خودش مربوط نمی داند. هیچگونه همبستگی طبقاتی بین اصناف و بخشهای مختلف کارگری بوجود نمی آید. وقتی کارگران خود را عضوی از خانواده چند ده میلیونی ارتش کار نمی دانند، بهم نامربوط می شوند و هر کدام جداگانه اگر تلاشی هم بکنند یا به هر نمی رسد و یا با هر اندازه دستاورد، تا تعرض بعدی سرمایه داران عقب می نشینند...

وقتی کمونیسم ابزار مبارزه طبقه کارگر نیست، وقتی کارگران خود را عضوی از ارتش عظیم طبقه خود نمی دانند، روحیه ای برای مبارزه رادیکال و پیروزمند باقی نمی ماند. هر فداکاری فردی یا یک صنف در اینجا و آنجا هم دردی را درمان نمی کند. کارگر پراکنده و صنفی و بی روحیه حتی وقتی مبارزه می کند، عصبانیتش و اعتراضش را زیر لافاه الله اکبر و دعای کمیل و پرچم سیاه امام حسین مخفی می کند. به این و آن مقام دولتی و مذهبی پناه می برد تا جوابی و حقی بگیرند. از نظر کارگر بی روحیه، حق دادنی است گرفتاری نیست. دولت و سرمایه و مذهب باید به کارگر مستضعف و فقیر بیچاره کمک کنند. دستمزدش را به موقع بدهند و اگر بیکار است گوشه ای از شهر را برای جمع شدن شان اختصاص دهند تا هر روز منتظر شوند، کسی بیاید یا شرکتی بیاید و برای چند ساعت و یا چند روز آنها را بخرد. برای کارگر بیکار با این

روحیه بیمه بیکاری رویا است.

هر چند نفر چماق بدست لباس شخصی یا بسیج و نیروی انتظامی می تواند چند صد کارگر اعتصابی را لت و پار کند و به سر کار بفرستد ولو پرچم سیاه امام حسین را هم برافراشته باشند. کارگر پرچمدار امام حسین نمی داند وقتی پای منفعت سرمایه به میان می آید، سرمایه دار و دولتش هیچ دین و مذهب و امام حسینی به رسمیت نمی شناسد. تنها قدرت کارگر متحد و آگاه و یک پارچه است که سرمایه داران و دولت را به کرنش در مقابل کارگر عصبانی و معترض و متحد می کشاند و تنها قدرت میلیونی کارگر بیکار عصبانی و معترض و شورشی و متعرض است که پایه های نظام بیکار و تباہ کننده کارگران و خانواده هایشان را می لرزاند...

طبقه کارگری که به نیروی خود به مثابه طبقه میلیونی و ارتش میلیونی و خانواده میلیونی با خود و خانواده و همسرانشان آگاه باشد، کمونیسم را ابزار مبارزه خود قرار دهد و بجای بدهکاری به دولت و سرمایه داران، طلبکار و صاحب جامعه بداند، به خودش اعتماد داشته و حرمت و عزتش را پاس بدارد، هر عضو خانواده کارگری خود را نه مستضعف و درجه دوم و پست در جامعه بلکه صاحب جامعه و گرداننده چرخ های جامعه بداند، آن زمان است که اتحاد و تشکل و تحزب امر فوری اش می شود و روحیه و توان تعرض را خواهد داشت.

وظیفه کارگران کمونیست بازگرداندن اراده و اختیار به توده هرچه وسیع تری از طبقه کارگر است. این عین کمونیسم است. بدون این طبقه کارگر بجایی نمی رسد. بدون این اراده و اختیار و اعتماد بخود و خودآگاهی و آگاه به نیروی ارتش خود، طبقه کارگر همچنان برده مزدی، بیکار و پرت شده از صحنه جامعه به تاریکی محض و فساد و تباہی خانواده های کارگری، باقی می ماند.

از نظر من قبل از صحبت از اهمیت و ضرورت هر گونه اتحاد و تشکل و سازمان کارگری، کارگران کمونیست در دل همین اعتصابات و مبارزات و عصبانیت های کارگر شاغل و بیکار و اعتراضات روزمره، می توانند و باید وسیع ترین کارگران شاغل و بیکار را به موقعیت طبقاتی خود آگاه کنند. باید هر کارگری بداند که کارگر بدهکار کسی نیست. کارگر طلبکار و صاحب جامعه است. کارگر را از جامعه حذف نکنید هیچ سنگی روی سنگ باقی نمی ماند. اگر ارتش و بسیج و پاسداران و حزب الله و وکلا و وزرا و قضات و همه ی درجه داران و عالیجنابان دولتی و سرمایه داران خصوصی را منحل کنی هیچ اتفاقی نمی افتد و جامعه می چرخد. نفت استخراج می شود، ماشین ها تولید می گردند، نان از تنورها در می آید، بیمارستان ها کار می کنند، مدارس کار می کنند و جامعه سر جای خود باقی است. جامعه را سرمایه ی داران و عقل دولت و پارلمان زور ارتش و پاسداران... نمی چرخاند. با عقل و بازو و توان و نیروی طبقه کارگر است که جامعه کار می کند و می چرخد. این را هر کارگری باید بداند. و اگر می داند باید خود را متعلق به این ارتش کار بداند و به هیچ نهاد دولتی و بنگاه سرمایه داری اعتماد نکند. وقتی کارگر کار می کند و جامعه را می چرخاند پس می تواند مدیریتش را هم بکند. می تواند انقلاب کارگری را انجام دهد. کار مزدی را لغو کند و پدیده شوم و لکه ننگ بیکاری و فساد و فحشا را از زندگی جامعه پاک کند.

زمانی که طبقه کارگر به خودآگاهی طبقاتی و به کمونیسم بعنوان ابزار مبارزه خود دست یافت، روحیه ی مدعی قدرت شدن را هم خواهد یافت و برای سرمایه داران و دولتشان روحیه ای باقی نمی گذارد. این دو باید جایشان را عوض کنند. طبقه سرمایه دار مدعی و با روحیه به طبقه ای بی خاصیت و زیر ضرب تعرض طبقه کارگر تبدیل می شود و روحیه اش را باخته و توان ایستادگی در مقابل ارتش متحد طبقه کارگر و انقلاب کارگری را نخواهد داشت.

طبقه کارگر اروپایی چندین دهه اتحاد و تشکل و حتی تحزب به نام خود داشته است. ولی کمونیسم ابزار مبارزه اش نبوده، هر عضو و صنف و بخش کارگری خود را عضو یک طبقه و ارتش کار ندانسته و از روحیه تعرض برای تغییر جامعه و انقلاب کارگری و برچیدن نظام سرمایه داری و لغو بردگی مزدی و پایه گذاری سوسیالیسم و کمونیسم ... برخوردار نبوده است. تا زمانی که طبقه کارگر به سلاح کمونیسم مجهز نشود، درب جوامع بشری بر همین پاشنه می چرخد.

هر اندازه اعتراض و اعتصاب و ایجاد انجمن و سندیکا و غیره، بدون کمونیسم طبقه کارگر شاغل و بیکار را از موقعیت ضعیف و فرودست و متفرق و بی روحیه کنونی نجات نمی دهد. مبارزه طبقاتی مادام العمر، مسالمت آمیز و برای گرفتن حقی اینجا و آنجا نیست. کمونیسم و انقلاب کارگری مال آینده نیست. طلبکاری و مدعی قدرت شدن از جانب طبقه کارگر امری مربوط به آینده نیست. مال همین امروز است. بدون این خودآگاهی و افق، هر تلاشی برای متحد شدن و اعتراض و اعتصاب، سرنوشته بهتر از آنچه که تا حال داشته نخواهد داشت. اگر می خواهیم دستمزد بیشتری بگیریم که باید بگیریم، اگر میخواهیم همه بیکاران بیمه بیکاری بگیرند که باید بگیرند، باید به کمونیسم بعنوان ابزار مبارزه طبقه کارگر مسلح شویم.

طبقه کارگرایران می داند چه می خواهد، میدانند شورا چیست، اتحادیه چیست، مطالبات اقتصادی چیست، قانون کار چیست، کنترل کارگری یعنی چه، نمی خواهد جنبش کارگری زیر پرچم بورژوازی برود... به این اعتبار این طبقه به کمونیسم بعنوان ابزار مبارزه و استقلال طبقاتی و جنبش اجتماعی خود بسیار نزدیک است!

# پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:  
Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

**hekmatist.com**

**تماس با حزب**

 @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

**حکمتیست هفتگی**

سر دبیر: فواد عبداللهی

# برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



**نینا**

